



Bi-quarterly Scientific Journal of "Religion & Communication"
Vol. 33, No. 1, (Serial 69), Spring and Summer 2026

Research Article

doi: 10.30497/rc.2026.249544.2156



OPEN ACCESS

Received: 2025/12/07

Accepted: 2026/05/25

The Rhetoric of Jihad in Nahjul-Balaghah: A Neo-Aristotelian Critique of Imam Ali's (PBUH) War Sermons

Karim khanmohammadi* Ali Asghar Eslami Tanha** Muhammad Rezabaygi***

Abstract

Nahjul-Balaghah, as one of the most prominent rhetorical and literary works of Islam, contains the war sermons of Imam Ali delivered in critical and sensitive historical situations. These sermons are not only important from a literary and aesthetic perspective, but also, as outstanding examples of persuasive rhetoric in the context of war and jihad, have the capacity for deep rhetorical analysis. Despite extensive interpretative and literary studies, a comprehensive and systematic analysis of the war sermons of Nahjul-Balaghah using the method of the Neo-Aristotelian Critique has not been conducted so far. The purpose of analyzing the rhetoric of jihad in Nahjul-Balaghah using the approach of the Neo-Aristotelian Critique is to discover the rhetorical mechanisms of Imam Ali in dealing with war situations and to identify the argumentative, validation, and emotional arousal patterns in these sermons. Using purposive sampling, eighteen sermons were selected from 241 sermons in Nahjul-Balaghah and analyzed based on the components of the rhetorical situation (speaker, audience, context) and the elements of ancient rhetoric (invention, order, style). The results show that in the logos dimension, the Imam used a wide range of omitted analogies, including similes, conditional, religious, and historical analogies. In the domain of ethos, credibility has evolved from situational expertise to credibility based on behavioral honesty, and in pathos, emotions have shifted from hope and motivation to anger, regret, and despair. Stylistic analysis identified 112 literary devices in ten categories, with simile, metaphor, and contrast being the most frequent. The most important achievement is the mapping of the temporal evolution of rhetoric from "hopeful persuasion" (36-37 AH) to "realistic reproach" (38 AH) and "moral despair" (39-40 AH).

Keywords: Neo-Aristotelian criticism, rhetoric of jihad, Nahjul-Balaghah, discourse analysis, rhetorical innovation.

* Professor of Culture and Communications, Department of Cultural Studies and Communications, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (Corresponding author).

khanmohammadi49@yahoo.com

0000-0002-8174-1550

** Assistant professor, Department of Social Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.

eslamitanha12@gmail.com

0000-0003-0522-0232

*** Ph.D student in Culture and Communication, Department of Cultural Studies and Communications, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.

muhammad.rezabaygi@gmail.com

0009-0001-8161-7891

رتوریک جهاد در نهج البلاغه:

نقد نوارسطویی خطبه‌های جنگی امام علی (علیه السلام)

کریم خان محمدی* علی اصغر اسلامی تنها** محمد رضاییگی***

چکیده

نهج البلاغه به عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار بلاغی و ادبی اسلام، حاوی خطبه‌های جنگی امام علی (علیه السلام) است که در موقعیت‌های بحرانی و حساس تاریخی ایراد شده‌اند. این خطبه‌ها نه تنها از منظر ادبی و زیبایی‌شناختی اهمیت دارند، بلکه به عنوان نمونه‌های برجسته رتوریک اقناعی در بافت جنگ و جهاد، ظرفیت تحلیل عمیق رتوریکی را دارند. با وجود مطالعات گسترده تفسیری و ادبی، تاکنون تحلیل جامع و نظام‌مند از خطبه‌های جنگی نهج البلاغه با روش نقد نوارسطویی انجام نشده است. هدف از تحلیل رتوریک جهاد در نهج البلاغه با رویکرد نقد نوارسطویی، کشف سازوکارهای رتوریکی امام علی (علیه السلام) در مواجهه با موقعیت‌های جنگی و شناسایی الگوهای استدلالی، اعتبارسازی و برانگیختن احساسات در این خطبه‌هاست. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، ۱۸ خطبه از میان ۲۴۱ خطبه نهج البلاغه انتخاب و بر اساس مؤلفه‌های موقعیت رتوریکی (گوینده، مخاطب، بافت) و ارکان خطابه باستان (ابداع، ترتیب، سبک) تحلیل شدند. نتایج نشان می‌دهد که در بُعد لوگوس، امام (علیه السلام) از طیف گسترده‌ای از قیاس‌های محذوف؛ شامل قیاس تشبیهی، شرطی، دینی و تاریخی بهره برده است. در حوزه اتوس، اعتبارسازی از نوع خبرگی موقعیتی به سمت اعتبار مبتنی بر صداقت رفتاری تحول یافته و در حوزه پتوس، احساسات از امید و انگیزه (شدت متوسط تا بالا) به خشم، حسرت و یأس (شدت بسیار بالا) گذار کرده است. تحلیل سبک‌شناختی ۱۱۲ آرایه ادبی در ده دسته را شناسایی کرد که تشبیه، استعاره و تضاد بیش‌ترین بسامد را دارند. مهم‌ترین دستاورد، ترسیم مسیر تحول زمانی رتوریک از «اقناع امیدبخش» (۳۶-۳۷هـ) به «سرزنش واقع‌گرا» (۳۸هـ) و «یأس اخلاقی» (۳۹-۴۰هـ) است.

واژگان کلیدی: نقد نوارسطویی، رتوریک جهاد، نهج البلاغه، تحلیل خطابه، ابداع رتوریکی.

* استاد گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، قم، ایران (نویسنده مسئول).

khanmohammadi49@yahoo.com

0000-0002-8174-1550

** استادیار گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران.

eslamitanha12@gmail.com

0000-0003-0522-0232

*** دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات، گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران.

muhammad.rezabaygi@gmail.com

0009-0001-8161-7891

مقدمه

رتوریک یا فن خطابه، از دیرباز یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقناع و تأثیرگذاری بر مخاطبان بوده است. از زمان ارسطو که رتوریک را «یافتن وسایل اقناع موجود در هر موضوع» تعریف کرد (Kennedy, 1994, p. 4)، این حوزه دانشی دستخوش تحولات بسیاری شده و از مطالعه صرف خطابه‌های سیاسی و قضایی یونان باستان، به تحلیل انواع گفتمان‌های مکتوب، شفاهی و حتی تصویری گسترش یافته است. در این میان، متون دینی به‌ویژه متون اسلامی، به‌رغم بار رتوریکی غنی و پیچیدگی ساختاری، کمتر مورد تحلیل نظام‌مند رتوریکی قرار گرفته‌اند.

نهج البلاغه، مجموعه خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی (علیه‌السلام) که توسط سید رضی در قرن چهارم هجری گردآوری شده است، یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های بلاغت عربی و از شاهکارهای ادبیات اسلامی محسوب می‌شود. این اثر شامل ۲۴۱ خطبه، ۷۹ نامه و ۴۸۰ حکمت کوتاه است که طیف وسیعی از موضوعات کلامی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و نظامی را پوشش می‌دهد. در میان این خطبه‌ها، خطبه‌های جنگی جایگاه ویژه‌ای دارند؛ زیرا در موقعیت‌های بحرانی و حساس ایراد شده‌اند و هدف آن‌ها نه تنها اطلاع‌رسانی، بلکه بسیج، انگیزش، آموزش نظامی، سرزنش و گاه اعلام ناامیدی بوده است.

خطبه‌های جنگی نهج البلاغه در بافت تاریخی خاصی شکل گرفته‌اند؛ به‌عنوان نمونه دوران حکومت امام علی (علیه‌السلام) (۳۵-۴۰ هجری) با جنگ‌های داخلی جمل (۳۶هـ)، صفین (۳۷هـ) و نهروان (۳۸هـ) همراه بود. این جنگ‌ها نه تنها چالش‌های نظامی، بلکه بحران‌های اقناعی عمیقی را برای امام به همراه داشتند: چگونه یارانی را که دچار خستگی جنگ، تردید عقیدتی و نافرمانی مکرر بودند، به ادامه جهاد متقاعد کند؟ چگونه در عین حفظ اصول اخلاقی اسلام، بسیج نظامی انجام دهد؟ و چگونه در مواجهه با برخی ناکامی‌ها، رهبری خود را توجیه کند؟

این پرسش‌ها، مسئله اصلی این پژوهش را شکل می‌دهند: رتوریک جهاد در نهج البلاغه چگونه ساختاربندی شده و از چه سازوکارهای اقناعی بهره می‌برد؟ به عبارت دقیق‌تر، چگونه امام علی (علیه‌السلام) از عناصر رتوریکی (استدلال منطقی،

اعتبارسازی و برانگیختن احساسات) برای دستیابی به اهداف جنگی خود استفاده کرده است؟ و آیا این رتوریک در طول زمان تحولی داشته است.

۱. پیشینه پژوهش

مطالعات پیرامون نهج البلاغه را می‌توان به چهار دسته به شرح زیر تقسیم کرد:

۱- مطالعات تفسیری - کلامی: این دسته که قدیمی‌ترین و گسترده‌ترین حوزه است، شامل شروح متعدد نهج البلاغه مانند شرح ابن‌ابی‌الحدید (۱۳۸۵)، شرح محمد عبده (۱۳۶۵) و شرح علامه جعفری (۱۳۶۰) است. این آثار عمدتاً به تبیین معانی واژگان، توضیح اشارات تاریخی و استخراج مفاهیم کلامی - فلسفی می‌پردازند؛ اما تحلیل رتوریکی در آن‌ها غایب یا حداقل است.

۲- مطالعات ادبی - زیبایی‌شناختی: محققانی مانند محمدجواد مغنیه (۱۳۷۹)، صبحی صالح (۱۹۶۷) و محمد دشتی (۱۳۷۹) به بررسی صنایع ادبی، آرایه‌های بلاغی و زیبایی‌شناسی زبان نهج البلاغه پرداخته‌اند. این مطالعات اگرچه به سبک (یکی از ارکان رتوریک) توجه دارند؛ اما دیگر ارکان (ابداع، ترتیب، حافظه، بیان) و به‌ویژه موقعیت رتوریکی (گوینده، مخاطب، بافت) را نادیده می‌گیرند.

۳- مطالعات سیاسی - اجتماعی: پژوهشگرانی چون علی شریعتی (۱۳۵۰)، مرتضی مطهری (۱۳۵۸) و محمدتقی جعفری (۱۳۶۰) و عبدالله نصری (۱۳۹۹) به تحلیل اندیشه سیاسی - اجتماعی امام در نهج البلاغه پرداخته‌اند. آن‌ها به مسائلی چون عدالت، حکومت، حقوق مردم و جهاد توجه کرده‌اند؛ اما چگونگی بیان این اندیشه‌ها و راهبردهای اقناعی امام را کمتر بررسی کرده‌اند.

۴- مطالعات رتوریکی (محدود): تاکنون تنها چند پژوهش محدود به تحلیل رتوریکی نهج البلاغه پرداخته‌اند. فضل حسن عباس (۱۹۹۷) در «البلاغه فنونها و أفنانها» فصلی کوتاه به تحلیل برخی خطبه‌ها اختصاص داده است. مریم عزیزخانی و نصراله شاملی (۱۴۰۰) در «تحلیل گفتمان انتقادی در نهج البلاغه براساس نظریه فرکلاف: مطالعه موردی توصیف ناکثین» تنها به تحلیل یک خطبه بسنده کرده‌اند.

تاکنون تحلیل جامع و نظام‌مند از خطبه‌های جنگی نهج البلاغه با روش نقد

نوآرسطویی انجام نشده است. این پژوهش با تحلیل هجده خطبه جنگی، این خلأ را پُر می‌کند.

۲. چهارچوب مفهومی

جنگ به تعبیر ترنر یک «جماعت‌واره» یا یک «درامای اجتماعی» است (مور، ۱۳۸۹، ص. ۲۸۹). به عبارت دیگر «جنگ فضایل حماسی و والا همانند شجاعت، فداکاری، وفاداری و دوستی بین رزمندگان، راستی و دوستی را برمی‌انگیزد. بشریت در تمام تمدن‌های مختلف همواره به فضیلت‌های اخلاقی جنگ واقف و برای آن‌ها ارزش بسیار زیادی قائل بوده است» (بوتول، ۱۳۸۷، ص. ۸۱). در بستر این درامای اجتماعی و فضیلت‌هاست که بلاغت سخنورانی همانند امام علی (علیه‌السلام) که خود در اوج بلاغت هستند به صورت چشمگیری افزایش می‌یابد. بهترین رویکردی که می‌تواند در این شرایط ظرافت‌ها و لطایف بلاغت یا رتوریک جنگ را نشان دهد همان نقد رتوریک است. براین اساس مفاهیم محوری ما عبارت‌اند از:

۲-۱. رتوریک

رتوریک اصطلاحی است که از زمان افلاطون تاکنون تغییرات بسیاری یافته است، به گونه‌ای که عموماً نمی‌توان کاربردهای متفاوت این اصطلاح را از یکدیگر به‌طور کامل تفکیک کرد. یونانیان فن خطابه را رتوریک^۱ و خطیب را رتور^۲ می‌نامیدند؛ اما لفظ رتوریک^۳ در زبان انگلیسی و به‌طور کلی زبان‌های رمان^۴ بر طیف وسیع‌تری از معانی دلالت می‌کند. اگرچه این واژه گاه به‌طور مشخص بر معنای خاصی اطلاق می‌شود؛ اما نمی‌توان کاربردهای متفاوت اصطلاح رتوریک را به‌طور کامل از یکدیگر تفکیک کرد؛ به همین دلیل، تعریف رتوریک کار آسانی نیست (Black, 1995, p. 259; Wendland, 2002, p. 169). رابرت کتکارت^۵ درباره رتوریک در علم ارتباطات می‌نویسد: «رتوریک، استفاده هدفمند از زبان یا نمادهای دیگر توسط فردی است که

1. rhetorike

2. rhetor

3. rhetoric

4. romance

5. Robert S. Cathcart

خواهان برقراری ارتباط است تا بر مخاطبان مشخصی تأثیر بگذارد یا آنان را اقناع کند. بدین ترتیب، برقرارکننده ارتباط در پی آن است که مخاطب در موقعیت‌های دشوار به گونه‌ای عمل، باور یا احساس کند که او می‌خواهد» (Cathcart, 1966, p. 2). در تعریف دیگر کنت برک^۶ می‌نویسد: «هرکجا اقناع وجود دارد، رتوریک نیز حضور دارد و هرکجا معنا وجود دارد، اقناع نیز موجود است» (Burke, 1969, p. 172). رابرت کاکس^۷ رتوریک را چنین تعریف می‌کند: «رتوریک کنشی هدفمند؛ فعالیتی عملگرایانه یا وسیله‌ای است که افراد را قادر می‌سازد تا از میان ابزارهای در دسترس برای اقناع، گزینش کنند و در نهایت نتیجه مطلوب خود را حاصل نمایند» (Cox, 2010, p. 59).

۲-۲. جهاد

جهاد در لغت از ریشه «جَهَد» یا «جُهد» به معنای سختی، مشقت و تلاش همراه با رنج است (مقداد، ۱۳۸۰، ص. ۳۱۳). در شریعت اسلام، جهاد به معنای جنگیدن در راه حق است و در وجه اسمی، به جنگ دینی و غزوه مسلمانان با کافران اشاره دارد (معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص. ۱۲۵۷). در اصطلاح شرعی، جهاد به عنوان ابزاری برای حفظ اسلام و مسلمانان در برابر تجاوز و ظلم تشریع شده و به مثابه جنگی مشروع به منظور دفاع از دین و جلوگیری از تجاوز و بی‌عدالتی توسعه یافته است. روشن‌ترین معنای مصطلح آن، جنگیدن در راه خداوند متعال است که در آن، جهادگر خویش را در معرض شهادت قرار می‌دهد. چنین جهادی با جهاد نفس نیز همراه خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص. ۳۱).

۲-۳. نقد نوارسطویی^۸

اولین روش رسمی نقد بلاغی که در حوزه ارتباطات توسعه یافت، روش نقد نئوکلاسیک، نئوارسطویی یا سستی نامیده می‌شود. در سال ۱۹۲۵، هربرت آ. ویچلنز^۹ ویژگی‌های اصلی روش نئوارسطویی را در مقاله «نقد ادبی خطابه» به تفصیل بیان کرد (Wichelns, 1925, pp. 181-216). تا پیش از مقاله ویچلنز، منتقدان از

6. Kenneth Burke

7. Robert Cox

8. Neo-Aristotelian Criticism

9. Herbert A. Wichelns

دستورالعمل‌های مشخصی برای نقد استفاده نمی‌کردند و درک روشنی از اینکه نقد رتوریک چیست، وجود نداشت. از آنجاکه مقاله ویچلنز «محتوا و ساختار به مطالعه‌ای بخشید که تا آن زمان بی‌شکل و زودگذر بود... این مقاله به معنای واقعی کلمه، رشته مدرن نقد رتوریک را خلق کرد» (Klyn, 1968, p. 154). دونالد سی. برایانت^{۱۰} تأثیر چشمگیر مقاله ویچلنز بر عملکرد نقد رتوریک را چنین توضیح داد: [این مقاله] الگو را تعیین کرد و جهت نقد رتوریک را برای بیش از یک ربع قرن مشخص نمود و تأثیری بیشتر و پیوسته‌تر بر توسعه پژوهش در حوزه بلاغت و سخنرانی عمومی نسبت به هر اثر منفرد دیگری که در این قرن منتشر شده است، داشته است (Bryant, 1958, p. 5). ویچلنز در مقاله خود با تمایز قائل شدن بین نقد ادبی و نقد رتوریک، آغاز کرد و اظهار داشت که نقد رتوریک «به ماندگاری و به زیبایی مربوط نمی‌شود»، همان‌طور که نقد ادبی مربوط است. بلکه «با تأثیر سروکار دارد. این نقد به سخنرانی به مثابه ارتباطی با مخاطب خاص می‌نگرد و وظیفه خود را تحلیل و ارزیابی روش سخنران در انتقال اندیشه‌هایش به شنوندگانش می‌داند» (Brock & Scott, 1980, p. 67). تمایز ویچلنز منعکس‌کننده خاستگاه‌های رشته ارتباطات در دیپارتمان‌های زبان و ادبیات انگلیسی است. نظریه‌پردازان اولیه در حوزه ارتباطات می‌خواستند حوزه خود را به‌عنوان مثال رشته‌ای مستقل و مشروع توسعه دهند.

ویچلنز در توسعه نئوارسطوگرایی، فهرستی از عناصر ارائه کرد که منتقد باید به آنها بپردازد: شخصیت سخنران، شخصیت عمومی سخنران یا برداشت عموم از سخنران، مخاطب، اندیشه‌های اصلی ارائه‌شده در سخنرانی، انگیزه‌هایی که سخنران به آن‌ها متوسل شده است، ماهیت براهین سخنران، قضاوت سخنران از طبیعت انسانی در مخاطبان، چیدمان سخنرانی، شیوه بیان سخنران، روش آماده‌سازی سخنرانی توسط سخنران، شیوه ایراد و تأثیر گفتار بر مخاطبان بی‌واسطه و اثرات بلندمدت آن (Brock & Scott, 1980, pp. 69-70).

مطالعات نقادانه متعددی که پس از آن انجام شد، رویکرد پیشنهادی ویچلنز به نقد رتوریک را تحکیم بخشیدند. استفاده گسترده از نئوارسطوگرایی به‌ویژه در اثر دوجلدی

10. Donald C. Bryant

«تاریخ و نقد خطابه عمومی آمریکا» که به ویراستاری ویلیام نوروود بریگنس^{۱۱} در سال ۱۹۴۳ منتشر شد، آشکار بود (Brigance, 1943). در مطالعات گنجانده شده در این اثر، نویسندگان در تلاش‌های نقادانه خود تنها توسط الگوی ارسطویی یا در ترکیب با الگوهای خطیبان کلاسیک دیگر راهنمایی می‌شدند. روش ویچلنز در سال ۱۹۴۸ با انتشار «نقد سخنرانی» که در آن لستر تونسن^{۱۲} و ا. کریگ بیرد^{۱۳} نظامی مفصل برای عملکرد نقد رتوریک بر اساس موضوعات پیشنهادی ویچلنز و نوشته‌های خطیبان کلاسیک ارائه دادند، به‌طور محکم‌تری تثبیت شد (Thonssen & Baird, 1948). در نتیجه پذیرش نقد نئوارسطوگرایی به‌عنوان مثال تقریباً تنها روش نقد رتوریک در سال‌های آغازین حوزه ارتباطات، عملکرد نقد رتوریک از نظر موضوع و هدف محدود شد. نقد رتوریک به روش مطالعه سخنرانی‌ها تبدیل گردید (Mohrmann & Leff, 1974, p. 463).

در نقد نوارسطویی، منتقد تمرکز اصلی خود را بر گوینده یا برقرارکننده ارتباط قرار می‌دهد تا بتواند واکنش‌های او را در بستر موقعیت رتوریک مورد ارزیابی قرار دهد. همچنین راهکارهایی که گوینده برای رویارویی با چالش‌های ارتباطی به‌کار می‌گیرد و روش‌هایی که برای اقناع مخاطب اتخاذ می‌کند، بررسی می‌شود. در این دیدگاه، اقناع در قالب قراردادهای گفتمانی و به‌عنوان یکی از اهداف گوینده تلقی می‌گردد و تحلیل آن، هدف نهایی فرایند نقد به‌شمار می‌آید. به‌عبارت دیگر، نقد نوارسطویی به مطالعه و تحلیل گفتاری می‌پردازد که به شیوه‌ای آگاهانه و هدفمند در پی اقناع مخاطبان است. ازاین‌رو، منتقدان نوارسطویی معمولاً به بررسی انواع ژانرها و الگوهای ارتباطی مستقر و شناخته‌شده‌ای همچون خطابه‌های دادگاهی یا سخنرانی‌های عمومی می‌پردازند که می‌توان اهداف و پیامدهای آن‌ها را از منظر تاریخی موردبررسی و سنجش قرار داد (Brock & et al., 1990, p. 23). در این رویکرد، از میان عناصر ارتباط، گوینده در اولویت قرار می‌گیرد و در تحلیل بلاغی، توانایی‌های او در اقناع مخاطب به دقت موردبررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. این توانایی‌ها شامل مهارت در گزینش ابزار مناسب،

11. William Norwood Brigance

12. Lester Thonssen

13. A. Craig Baird

ترتیب و آرایش سخن، بیان اندیشه‌ها و بهره‌گیری از زبان شایسته و بیان درخور است. جی.آر. اندروز بیان می‌دارد که نقد نوارسطویی روشی است که بر تلاش‌های انسان برای تأثیرگذاری و اقناع متمرکز می‌شود (Brock & et al., 1990, p. 3).

۳. روش پژوهش

۳-۱. رویکرد پژوهش

این پژوهش از روش‌شناسی کیفی - تحلیلی با چهارچوب نقد ادبی رتوریک استفاده می‌کند. هدف آن کشف و تبیین سازوکارهای اقناعی و زیبایی‌شناختی در خطبه‌های جنگی نهج‌البلاغه از طریق تحلیل نظام‌مند عناصر رتوریک است. انتخاب روش نقد نوارسطویی برای تحلیل «رتوریک جهاد در نهج‌البلاغه» از چند جهت قابل توجیه است:

۱- تطابق ماهوی: خطبه‌های جنگی نهج‌البلاغه دارای عناصر اساسی موردنیاز این روش هستند - گوینده مشخص (امام علی)، مخاطبان معین و اهداف آشکار (بسیج، آموزش، سرزنش).

۲- هم‌زمانی تاریخی - فرهنگی: نقد نوارسطویی مبتنی بر سنت خطابی یونان - روم باستان است که به لحاظ زمانی و فرهنگی به عصر نزول اسلام نزدیک بوده و هر دو در فرهنگ شفاهی و اهمیت خطابه اشتراک دارند.

۳- جامعیت تحلیل: این روش متن را از شش بُعد بررسی می‌کند: موقعیت رتوریک (گوینده، مخاطب، بافت) و پنج رکن خطابه ارسطویی (ابدا، ترتیب، سبک، حافظه، بیان) که امکان تحلیل نظام‌مند رتوریک جهاد را فراهم می‌آورد.

۴- نظام‌مندی روش‌شناختی: برخلاف روش‌های تأویل‌محور و ذهنی، این روش دارای چهارچوب مشخص و تکرارپذیری است.

۵- پیشینه موفق: این روش در تحلیل متون دینی (خطبه‌های کلیسایی قرون وسطی) و سیاسی معاصر کارآمدی خود را نشان داده است.

۳-۲. جامعه و نمونه پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، کل خطبه‌های نهج‌البلاغه (۲۴۱ خطبه) است که از میان آن‌ها، خطبه‌هایی با محتوای جنگی و بسیج‌گرایانه مرتبط با موضوع «رتوریک جهاد» هستند.

نمونه‌گیری به شیوه هدفمند معیارمحور انجام شده است. معیارهای انتخاب خطبه‌ها عبارت‌اند از:

۱- خطبه باید محتوای جنگی داشته باشد (آموزش نظامی، بسیج، نقد عملکرد جنگی، یا مشاوره نظامی).

۲- خطبه باید دارای مخاطب مشخص باشد (یاران، فرزندان، خلیفه، رزمندگان).

۳- خطبه باید از نظر بافت تاریخی مرتبط با دوره جنگ‌های داخلی (جمل، صفین، نهروان) یا مشاوره‌های نظامی (جنگ با روم و فارس) باشد.

۴- خطبه باید اهداف رتوریکی متنوع (اقناع، انگیزش، سرزنش، آموزش) را نمایندگی کند.

بر اساس این معیارها، ۱۸ خطبه، یعنی، خطبه‌های: ۱۱، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۳۴، ۳۹، ۵۴، ۵۵، ۶۶، ۶۹، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۷۱، ۲۰۶، ۲۱۲، ۲۴۱، انتخاب شدند. این نمونه از نظر تنوع زمانی (از سال ۱۵ تا ۴۰ هجری)، تنوع موضوعی (از آموزش تا نفرین) و تنوع مخاطب (از فرزندان تا خلیفه) جامع است.

۳-۳. شیوه اجرای نقد نوارسطویی

مراحل اجرای نقد نوارسطویی به شرح زیر است:

• **انتخاب آرتیفکت:** روش نقد نوارسطویی برای تحلیل سخنرانی‌ها توسعه یافته است؛ بنابراین سخنرانی‌ها آثار مناسبی برای این روش نقد هستند. از آنجاکه این روش شامل بررسی خطیب است، اثری انتخاب می‌شود که توسط خطیبی تولید شده باشد که اطلاعات بیوگرافی او در دسترس است (Foss, 2018, p. 32). در اینجا منظور از آرتیفکت، اثر یک کنش - متن، ردپا یا شواهد ملموس کنش - است، زیرا یک کنش معمولاً زودگذر و ناپایدار است (Foss, 2018, p. 6) و منتقد به خود کنش دسترسی ندارد.

• **تحلیل آرتیفکت:** نقد نوارسطویی شامل بخش بنیادین است: (۱) بازسازی موقعیت رتوریکی؛ (۲) بررسی آرتیفکت بر اساس ارکان خطابه باستان (ابداع، ترتیب، سبک، حافظه، بیان)؛ (۳) ارزیابی تأثیر آرتیفکت بر مخاطبان (Foss, 2018, p. 32).

(۱) **بازسازی موقعیت رتوریکی:** پیوند دادن اثر رتوریکی با بستر آن به منتقد کمک می‌کند تا کشف کند که چگونه اجزای مختلف موقعیت بر رتوریک تدوین شده، تأثیر گذاشته‌اند. منتقد سه مؤلفه اصلی موقعیت را بررسی می‌کند (Foss, 2018, p. 32):

- **گوینده:** هدف از این بخش، مطالعه فرد به‌عنوان مثال سخنور و کشف پیوندها میان رتوریک تولیدشده و تاریخ، تجربه و شخصیت خطیب است. اینکه چرا خطیب تصمیم گرفت این رتوریک را در این مناسبت خاص تولید کند و خطیب به‌دنبال دستیابی به چه چیزی بود (Foss, 2018, p. 33).

- **بافت:** کنش رتوریک تحت تأثیر عوامل موجود در موقعیت قرار می‌گیرد؛ بنابراین وظیفه محقق در اینجا تعیین عناصری در موقعیت است که بر رتوریک در انتخاب موضوع و رویکرد یا الزامات خاص زمان و مکانی که رتوریک در آن رخ داده است، تأثیر گذاشته است (Foss, 2018, p. 33).

- **مخاطب:** سخنران رتوریک را برای دستیابی به هدف خاصی برای فرد یا گروه مشخصی می‌سازد؛ بنابراین، دانستن درباره مخاطب کمک می‌کند تا بفهمیم چرا سخنران راهبردهای خاصی را انتخاب کرده است (Foss, 2018, p. 33).

(۲) **بررسی آرتیفکت بر اساس ارکان خطابه باستان:** دومین مؤلفه نقد نوارسطویی، تحلیل خود اثر با استفاده از پنج قاعده بلاغت کلاسیک است. در دوران یونان و روم کلاسیک، زمانی که مطالعه رتوریک آغاز شد، رتوریک به پنج بخش تقسیم می‌شد. این پنج بخش، یا قواعد رتوریک، گام‌هایی هستند که در فرایند سخنرانی عمومی انجام می‌شوند. آن‌ها عبارت‌اند از:

- **ابداع:** منظور از ابداع، خلق یا گزینش معانی، افکار و موضوعاتی است که سخنور می‌خواهد آن‌ها را بیان کند. این بخش با محتوای سخن سروکار دارد (Kennedy, 1994, p. 4). به عبارت دیگر اندیشه و محتوای آرتیفکت در این بخش بررسی می‌شود. در ابداع، براهین درونی یا هنری، که خطیب خلق می‌کند، به سه دسته تقسیم می‌شوند: (۱) لوگوس یا قیاس‌ها، استدلال‌ها و شواهد منطقی؛ لوگوس با عناصر منطقی یا عقلانی بلاغت و با تأثیر این عناصر بر مخاطب سروکار دارد

(Foss, 2018, p. 34). ۲) اتوس یا شیوه‌های اعتبارسازی خطیب؛ تحلیل اتوس بدین معناست که چگونه شخصیت خطیب، همان‌طور که پیش از سخنرانی برای مخاطب شناخته شده و همان‌طور که در طول سخنرانی به مخاطب ارائه می‌شود، پذیرش باور را از سوی مخاطب تسهیل می‌کند (Foss, 2018, p. 34). ۳) پاتوس یا احساسات برانگیخته‌شده؛ تحلیل پاتوس بدین معناست که چه احساساتی توسط سخنران برانگیخته شده‌اند و چگونه آن احساسات شنوندگان را در چهارچوب ذهنی خاصی قرار می‌دهد تا به‌طور مطلوب به هدف خطیب واکنش نشان دهند (Foss, 2018, p. 34).

• **ترتیب:** ترتیب یعنی، ساختار و ترتیبی که آرتیفکت از آن پیروی می‌کند. به عبارت دیگر، تعیین الگوی کلی چیدمان اتخاذشده برای رتوریک است. به عنوان مثال، ترتیب زمانی، که در آن مطالب به واحدهای زمانی تقسیم می‌شوند، یا ترتیب مسئله - راه حل، که در آن بحث درباره یک مسئله با راه حل‌های پیشنهادی برای آن دنبال می‌شود (Foss, 2018, p. 34).

• **سبک:** سبک به معنای بررسی آرایه‌های ادبی و تحلیل لحن و زبان به کاررفته در آرتیفکت است. دغدغه منتقد در بررسی سبک این است که آیا سبک زبانی به سخنور برای دستیابی به هدفش کمک می‌کند؟ (Foss, 2018, p. 34).

• **حافظه:** مبحث حافظه به شیوه‌هایی که سخنور می‌تواند مباحث موردنظر خود را به خاطر بسپارد و دامنه تداعی‌هایی که او را در این راه یاری می‌کند، اختصاص دارد (Kennedy, 1994, p. 6). به عبارت دیگر حافظه با کنترل خطیب بر مطالب سخنرانی و رابطه حافظه با شیوه ارائه سروکار دارد. این قاعده اغلب توسط منتقد نئوارسطویی به کار گرفته نمی‌شود (Foss, 2018, p. 35). در تحلیل انجام شده نیز به این مبحث پرداخته نشده؛ زیرا خطبه‌های نهج البلاغه به صورت آرتیفکت هستند و در آن‌ها هیچ اشاره‌ای به مبحث حافظه نشده است.

• **بیان:** حرکات بدنی خطیب هنگام ارائه بلاغت و ارزیابی مهارت صوتی خطیب، شامل اینکه چگونه بیان واضح، تلفظ، سرعت گفتار و زیرویمی صدا به پذیرش پیام توسط مخاطب کمک کرده است (Foss, 2018, p. 35). در بیان، صدای سخنران در

هنگام سخنرانی، هماهنگی صدای او با مطالب مورد بحث و همچنین حرکات دست، سر، گردن، چشم و ابروی او مورد ارزیابی قرار می گیرد (Kennedy, 1994, p. 6). در تحلیل انجام شده به این مبحث نیز پرداخته نشده؛ زیرا خطبه های نهج البلاغه به صورت آرتیفکت هستند و در آن ها هیچ اشاره ای به موارد موردی که در تعریف بیان ذکر شد، اشاره نشده است.

عدم تحلیل عناصر حافظه و بیان در خطبه های نهج البلاغه خللی در ارائه تحلیل مناسب ایجاد نمی کند. فوس در این باره می نویسد: «پوشش کامل همه قواعد برای یک آرتیفکت کوتاه اغلب دشوار است و منتقد نمی تواند به آرتیفکت یا تحلیل به درستی بپردازد؛ بنابراین، گاهی اوقات منتقدان نئوارسطویی در تحلیل های خود تنها بر یک یا دو قاعده تمرکز می کنند» (Foss, 2018, p. 35).

۳) ارزیابی تأثیرات آرتیفکت بر مخاطبان: در این بخش منتقد تأثیرات رتوریک را قضاوت می کند. معیار واحدی برای اثربخشی وجود ندارد و نحوه انتخاب شما برای ارزیابی تأثیرات به ویژگی های خود اثر بلاغی، نیت خطیب، مخاطبی که رتوریک به آن ارائه شده و موقعیتی که بلاغت در آن ارائه می شود، بستگی دارد (Foss, 2018, pp. 35-35).

۴. یافته های پژوهش

در این بخش، یافته های حاصل از تحلیل نوارسطویی ۱۸ خطبه جنگی نهج البلاغه به تفکیک ارکان پنج گانه خطابه و موقعیت رتوریکی ارائه می شود:

۴-۱. بازسازی موقعیت رتوریکی

امام علی (علیه السلام) به عنوان مثال یکی از برجسته ترین خطبای تاریخ اسلام، شخصیتی است که بلاغت او از پیوندی عمیق میان تجربه زیسته، محیط پرورشی و انگیزه های معنوی برمی خیزد. او در خانه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) پرورش یافت و از همان کودکی در معرض بالاترین سطح فصاحت عربی و آموزه های قرآنی قرار گرفت؛ محیطی که نه تنها مهارت های زبانی او را شکل داد، بلکه نگرش عدالت محور و معنویت گرای او را نیز بنا نهاد. آموزش غیررسمی اما عمیق او در کنار پیامبر، همراه با تجربه مستقیم در جنگ ها، مناظرات و حکومت داری، او را به خطیبی تبدیل کرد که بلاغتش نه صرفاً هنری زبانی،

بلکه ابزاری برای هدایت، اصلاح اجتماعی و مقابله با انحراف بود. فلسفه بلاغی علی (علیه السلام) بر صداقت، وضوح و پرهیز از تصنع استوار بود؛ او خطبه را وسیله‌ای برای بیداری عقل و وجدان می‌دانست، نه صرف تأثیرگذاری احساسی.

جدول (۱): مشخصات موقعیت رتوریکی خطبه‌ها (بافت، مخاطب)

خطبه	سال	موقعیت	مخاطب	بافت تاریخی	هدف رتوریکی
۱۱	۳۶ هـ	جنگ جمل	محمد حنفیه (فرزند)	لحظه دادن پرچم	آموزش تاکتیکی + تقویت روحیه
۲۴	۳۶-۳۷ هـ	آمادگی جهاد	یاران کوفی	قبل از بسیج	ایجاد انگیزه + تبیین عدم سازش
۲۵	۴۰ هـ	شکست‌های پیاپی	مردم کوفه	شکست در یمن	سرزنش شدید + شکایت
۲۷	۳۸ هـ	حمله به انبار	مردم کوفه	غارت انبار و زنان	نکوهش سستی + اثبات شایستگی خود
۳۴	۳۸ هـ	بسیج پس از خوارج	مردم کوفه در نخيله	پس از نهروان	سرزنش + بیان حقوق متقابل
۳۹	۳۹ هـ	حمله به عین‌التمر	یاران کوفی	حمله نعمان بن بشیر	شکایت از نافرمانی
۵۴	۳۷ هـ	صفین	یاران مخالف جنگ	مخالفت با ادامه جنگ	توجیه ضرورت جنگ
۵۵	۳۷ هـ	صفین	یاران ناصبور	استیطاء در جنگ	توضیح فلسفه تأخیر
۶۶	۳۷ هـ	صفین	رزمندگان	شب هریر یا آغاز نبرد	آموزش فنون جنگی + انگیزش
۶۹	۳۹ هـ	غارنگری‌های شام	یاران کوفی	غارت عین‌التمر	سرزنش شدید + اعلام ناامیدی
۱۲۳	۳۷ هـ	صحنه نبرد صفین	رزمندگان در میدان	حین جنگ	آموزش اخلاق جنگی + انگیزش
۱۲۴	۳۷ هـ	صفین	رزمندگان	قبل از نبرد	آموزش تاکتیکی + هشدار از فرار
۱۳۴	۱۵ هـ	دوران عمر	خلیفه دوم (عمر)	مشورت جنگ روم	ارائه راهبرد استراتژیک
۱۴۶	۱۶ هـ	دوران عمر	خلیفه دوم (عمر)	مشورت جنگ	ارائه راهبرد + اطمینان‌بخشی

خطبه	سال	موقعیت	مخاطب	بافت تاریخی	هدف رتوریک
				قادسیه	
۱۷۱	۳۷ هـ	صفین	خدا و سپس رزمندگان	آستانه نبرد	دعا + انگیزش معنوی
۲۰۶	۳۷ هـ	صفین	یاران دشنام‌دهنده	شنیدن دشنام به شامیان	اصلاح رفتار + تعلیم اخلاق
۲۱۲	۳۹-۴۰ هـ	بسیج برای شام	یاران سست	عدم اجابت مکرر	شکایت به خدا + تهدید الهی
۲۴۱	۳۷ هـ	بسیج عمومی	مؤمنان	آمادگی جهاد	تشویق + هشدار از غفلت

۴-۲. بررسی آرتیفکت بر اساس ارکان خطابه باستان

جدول (۲): تحلیل لوگوس (استدلال منطقی) در خطبه‌ها

خطبه	نوع استدلال	استدلال اصلی	مقدمه محذوف
۱۱	قیاس تشبیهی	کوه‌ها کنده شوند ← تو ثابت باش	ثبات کوه = نهایت استواری
۲۴	قیاس شرطی	من مدارا نمی‌کنم + شما آماده باشید ← پیروزی	مدارا با باطل = شکست
۲۵	استدلال تطبیقی	وحدت در باطل ≠ تفرقه در حق ← شکست شما	تفرقه = ضعف
۲۷	قیاس تجربی	حمله به خانه ← ذلت (قانون تاریخی)	هر قومی که در خانه خود...
۳۴	قیاس شرطی	فرار از شمشیر دنیا ≠ سلامت از شمشیر آخرت	فرار = عذاب آخرت
۳۹	استدلال عملی	نافرمانی مداوم ← عدم توانایی انتقام و رسیدن به هدف	نافرمانی = ناتوانی
۵۴	قیاس دینی دوگانه	جنگ کنم یا دین را انکار کنم / دو راه بیشتر نیست	انکار دین = محال
۵۵	استدلال اولویتی	هدایت دشمن < کشتن او در گمراهی	هدایت = خیر بیشتر
۶۶	استدلال تاکتیکی	فشار دندان ← کاهش تأثیر ضربه (علمی)	تکنیک‌های جنگی
۶۹	تشبیه استدلالی	شما = شتر زخمی = جامه کهنه ← نیاز	ضعف ساختاری

خطبه	نوع استدلال	استدلال اصلی	مقدمه محذوف
		به مراقبت مداوم	
۱۲۳	قیاس اخلاقی	خدا می‌تواند ترسو را دلیر کند ← پس از برادر دفاع کن	برتری = آزمایش
۱۲۴	استدلال معنوی	فرار ← خشم خدا + ذلت + ننگ + عدم افزایش عمر	فرار = بی‌فایده و مجازات
۱۳۴	قیاس استراتژیک	رهبر برود و شکست بخورد ← مرجعی نمی‌ماند	رهبر = محور وحدت
۱۴۶	استدلال تاریخی	پیروزی اسلام ≠ کثرت نفرات (تجربه تاریخی)	پیروزی = یاری خدا
۱۷۱	دعای دوگانه	اگر پیروز شدیم ← عدالت / اگر شکست خوردیم ← شهادت	هر دو خوب است
۲۰۶	قیاس کارآمدی	دشنام > توصیف اعمال (از نظر اثربخشی)	توصیف = اقناعی‌تر
۲۱۲	استدلال دینی	سخن عادلانه + عدم اجابت ← گناه و مجازات الهی	نافرمانی از حق = گناه
۲۴۱	قیاس زمانی	خواب ← نابودی تصمیم‌های روز	غفلت = شکست

جدول (۳): تحلیل اتوس (اعتبارسازی) در خطبه‌ها

خطبه	نوع اعتبار	شیوه اعتبارسازی
۱۱	خبرگی	موقعیت پدران + تجربه نظامی
۲۴	قاطعیت	سوگند + اعلام عدم مدارا
۲۵	صداقت تلخ	اعتراف به خستگی + نفرین
۲۷	دفاع از شأن	اثبات تجربه از کودکی + رد تهمت قریش
۳۴	ناامیدی صریح	«اعتماد ندارم» + تهدید به جنگ تا آخر
۳۹	سرخوردگی	«گرفتار نافرمانان شده‌ام»
۵۴	صداقت	افشای دودلی‌های خود + تعمق
۵۵	شجاعت + دلسوزی	بی‌تفاوتی به مرگ + امید به هدایت دشمن

خطبه	نوع اعتبار	شیوه اعتبارسازی
۶۶	خبرگی + رهبری	دستورات دقیق + «با خدا و پیامبر هستید»
۶۹	ناامیدی + نفرین	«اصلاح شما = فساد من» + دعا علیه یاران
۱۲۳	عدالت + برادری	تأکید بر همکاری + سوگند به جان خود
۱۲۴	خبرگی + اشتیاق	دستورات جامع + «اشتیاق من < اشتیاق آنها»
۱۳۴	حکمت	راهبرد استراتژیک + اطمینان به خدا
۱۴۶	حکمت + بینش	دانش ژئوپلیتیک + تجربه تاریخی
۱۷۱	تواضع + عدالت	دعا و نیایش + قبول هر دو نتیجه
۲۰۶	اخلاق + حکمت	نصیحت ملایم + پیشنهاد جایگزین
۲۱۲	صداقت + شکایت	شکایت به خدا + اعلام ناامیدی
۲۴۱	رهبری + هشدار	یادآوری وظیفه + هشدار از غفلت

جدول (۴): تحلیل پتوس (احساسات) در خطبه‌ها

خطبه	احساسات برانگیخته	نوع احساس	تکنیک برانگیختن
۱۱	شجاعت، اطمینان، اعتماد	مثبت	تشبیه به کوه + تأکید بر یاری خدا
۲۴	امید، انگیزه، احساس وظیفه	مثبت	وعده پیروزی + سوگند
۲۵	خشم، حسرت، شرمساری، یأس	منفی	تضادهای متوالی + نفرین
۲۷	خشم، شرم عمیق، حسرت	منفی	توصیف غارت زنان + تحقیر
۳۴	ترس، شرم، نفرت از خود	منفی	تشبیهات تحقیرآمیز + تهدید
۳۹	شرمساری، احساس گناه	منفی	شکایت + توصیف ناتوانی
۵۴	درک، پذیرش، اطمینان	مثبت	توضیح فرایند تصمیم‌گیری
۵۵	آرامش، امید، دلسوزی	مثبت	بیان امید به هدایت دشمن
۶۶	ترس مقدس، آرامش، انگیزه	مثبت	ترکیب خشیت و سکینه
۶۹	شرم عمیق، یأس، خفت	منفی	تشبیهات متعدد تحقیرآمیز
۱۲۳	برادری، همکاری، شجاعت	مثبت	تأکید بر یاری یکدیگر
۱۲۴	ترس از خدا، انگیزه، امید	مثبت	هشدار از فرار + وعده بهشت
۱۳۴	اطمینان، آرامش	مثبت	تأکید بر یاری خدا

خطبه	احساسات برانگیخته	نوع احساس	تکنیک برانگیختن
۱۴۶	اطمینان، امید	مثبت	یادآوری تجربه تاریخی
۱۷۱	خشوع، امید، انگیزه معنوی	مثبت	دعا + تضاد عار / بهشت
۲۰۶	شرم ملایم، تفکر، پذیرش	مثبت	نصیحت ملایم
۲۱۲	احساس گناه، ترس از خدا	منفی/هشدار	شکایت + شهادت خواهی از خدا
۲۴۱	انگیزه، جدیت، هشیاری	مثبت	تضاد + استعاره زمان

جدول (۵): ساختار و ترتیب خطبه‌ها

خطبه	نوع ساختار	مراحل ترتیب
۱۱	تصادفی	بدن ← روح (۴ مرحله)
۲۴	حل مسئله	موضع ← دستور ← راه حل ← وعده
۲۵	تنازلی	وضع ← علل ← نمونه ← نفرین
۲۷	خطابی کلاسیک	مقدمه ← اخطار ← سرزنش ← دفاع
۳۴	استدلالی - اخلاقی	نکوهش ← استدلال ← تهدید ← حقوق
۳۹	شکایت	مشکل ← سؤال ← شکایت ← نتیجه
۵۴	روایی - استدلالی	توصیف ← تأمل ← نتیجه ← انتخاب
۵۵	رد و اثبات	رد شبهه ۱ ← رد شبهه ۲ ← اثبات
۶۶	آموزشی تاکتیکی	روحي ← فیزیکی ← معنوی ← هدف
۶۹	تنازلی	شکایت ← توصیف ← نتایج ← نفرین
۱۲۳	آموزشی - اخلاقی	دستور ← فلسفه ← ارزش ← هشدار
۱۲۴	تاکتیکی - معنوی	آموزش ← هشدار ← انگیزه ← دعا
۱۳۴	مشورتی استراتژیک	یاری خدا ← تشبیه ← هشدار ← توصیه
۱۴۶	مشورتی استراتژیک	اصل ← تشبیه ← هشدارها ← پاسخ
۱۷۱	دعایی - بسیجی	توصیف خدا ← دعا ← فراخوان ← انگیزه
۲۰۶	نهی و ارشاد	نهی ← پیشنهاد ← جایگزین ← محتوا
۲۱۲	دعا و شکایت	صفت ← رفتار ← شکایت ← تهدید
۲۴۱	تشویقی	یادآوری ← فرصت ← دستور ← هشدار

تحلیل سبک (تحلیل تفصیلی آرایه‌های ادبی خطبه‌ها)

جدول (۶): تشبیه

خطبه	تشبیه	مشبه	مشبه‌به	وجه شبه	کارکرد
۱۱	«تَزُولُ الْجِبَالِ وَلَا تَزُلُ»	ثبات تو	ثبات کوه	استواری	تقویت شجاعت
۲۵	شعر: «لَعَمْرُ أَیِّکَ... قَلِيلُ»	سهم امام	سهم کم از ظرف	اندکی	بیان محرومیت
۲۷	«حُلُومُ الْأَطْفَالِ وَ عُقُولُ رَبَّاتِ الْحِجَالِ»	عقل یاران	عقل کودکان و زنان	ضعف تدبیر	تحقیر و سرزنش
۲۷	«كَمَا يُمَاتُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ»	آب شدن دل‌ها	آب شدن نمک	نابودی کامل	نفرین
۳۴	«كَأَيْلِ ضَلَّ رُعَاتُهَا»	یاران	شتران بی ساریان	پراکندگی	تحقیر
۳۴	«انْفِرَاجِ الرَّأْسِ»	جدایی یاران	جدایی سر از تن	قطع کامل	تهدید
۳۹	«جَرَجَرَةَ الْجَمَلِ الْأَسْرَ»	ناله یاران	ناله شتر زخمی	درد و ضعف	تحقیر
۳۹	«تَتَأَقَّلُ النَّضْوُ الْأَدْبَرِ»	سنگینی یاران	سنگینی شتر پشت زخم	عدم حرکت	تحقیر
۵۴	«تَدَاكَ الْأَيْسَلُ الْهَيْمِ يَوْمَ وَرْدِهَا»	هجوم مردم برای بیعت	هجوم شتران تشنه به آب	شتاب و فشار	توصیف وضعیت
۶۹	«كَمَا تُدَارَى الْبَكَارُ الْعَمِدَةُ»	مدارا با یاران	مراقبت از شتر زخمی	نیاز به توجه مداوم	تحقیر
۶۹	«وَالْيَيَّابُ الْمُتَدَاعِيَةُ»	یاران	جامه کهنه	فرسودگی	تحقیر
۶۹	«أَنْجَحَارَ الضَّبَّةِ فِي جُحْرِهَا»	فرار یاران	پنهان شدن سوسمار	ترس	تحقیر
۶۹	«وَالضَّبْعُ فِي وَجَارِهَا»	فرار یاران	پنهان شدن کفتار	ترس	تحقیر
۱۲۳	«تَكْشُونُ كَنْشِشَ الضَّبَابِ»	فرار یاران	صدای سوسمار	ضعف و ترس	هشدار
۱۳۴	«مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرَزِ»	جایگاه رهبر	نظام گردنبند	محور وحدت	تبیین اهمیت
۱۳۴	«فَكُنْ قُطْبًا»	رهبر	محور آسیاب	مرکز حرکت	تبیین نقش
۱۳۴	«هَذَا أَصْلُ الْعَرَبِ»	رهبر	ریشه درخت	بنیان	تبیین اهمیت

جدول (۷): استعاره

خطبه	استعاره	استعاره از	استعاره به	تفسیر
۱۱	«أَعِزَّ اللَّهُ جُمُوعَتَكَ»	سردادن به خدا	وقف کردن جان	تسلیم کامل به خدا
۲۴	«نَهَجَهُ لَكُمْ»	راه گشودن	روشن کردن	هدایت الهی
۲۵	«مِثْ قُلُوبِهِمْ كَمَا يُمَاتُ الْمِلْحُ»	آب کردن دل‌ها	نابودی	نفیرین
۲۷	«مَلَأْتُمْ قُلُوبِي قَيْحًا»	پُر کردن دل با چرک	غم و خشم	شدت ناراحتی
۲۷	«شَحَنْتُمْ صَدْرِي غَيْظًا»	پُر کردن سینه با خشم	عصبانیت	شدت خشم
۲۷	«جَرَعْتُمُونِي نَعْبَ التَّهْمَامِ»	نوشاندن جام غم	اندوه	تحمیل رنج
۳۹	«كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ»	کشیده شدن به مرگ	اجبار	ترس از جنگ
۵۵	«تَعَسُّوْا إِلَى ضَوْئِي»	شتاب به نور	هدایت	رهبری معنوی
۶۶	«اسْتَشْعِرُوا الْخَشْيَةَ»	لباس زیرین = ترس خدا	تقوا	آمادگی روحی
۶۶	«تَجَلَّبَّبُوا السَّكِينَةَ»	لباس رویین = آرامش	اطمینان	آمادگی روانی
۶۹	«مَا لَوْسَةً»	دل‌های دیوانه شده	فساد عقل	نابودی تدبیر
۱۲۴	«الْجَنَّةُ تَحْتَ أَطْرَافِ الْعَوَالِي»	بهشت زیر نیزه‌ها	پاداش شهادت	انگیزه جهاد
۱۲۴	«ضَرَبْتُ بِالْمَشْرِفِيَّةِ»	شمشیر آبدیده	قدرت کشنده	تهدید
۱۴۶	«أَصْلُ الْعَرَبِ»	ریشه عرب	بنیان قدرت	اهمیت رهبر
۱۷۱	«السَّقْفُ الْمَرْفُوعُ»	سقف برافراشته	آسمان	عظمت خدا
۱۷۱	«الْجَوُّ الْمَكْفُوفُ»	فضای نگه‌داشته	نظم کیهانی	قدرت خدا
۲۴۱	«شُدُّوا عُقْدَ الْمَازِرِ»	محکم کردن کمر بند	آمادگی	بسیج
۲۴۱	«اطُّوْا فُضُولَ الْخَوَاصِرِ»	جمع کردن دامن	جدیت	ترک تنبلی

کارکرد تضادهای خطبه ۲۵ (۸ تضاد متوالی): ایجاد فشار روانی و اثبات تناقض رفتاری یاران

جدول (۸): تضاد

ردیف	تضاد	طرف اول (شامیان)	طرف دوم (کوفیان)
۱	اجتماع در مقابل تفرق	«اجْتَمَاعُهُمْ عَلَىٰ بَاطِلِهِمْ»	«تَفَرَّقُكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ»
۲	طاعت در مقابل معصیت	«طَاعَتِهِمْ إِمَانَهُمْ فِي الْبَاطِلِ»	«مَعْصِيَتُكُمْ إِمَامُكُمْ فِي الْحَقِّ»
۳	امانت در مقابل خیانت	«أَدَانُهُمُ الْأَمَانَةَ إِلَىٰ صَاحِبِهِمْ»	«خِيَانَتُكُمْ»
۴	صلاح در مقابل فساد	«صَلَاحُهُمْ فِي بِلَادِهِمْ»	«فَسَادُكُمْ»
۵	ملل دوطرفه	«مَلَلْتُهُمْ»	«مَلُونِي»
۶	سأم دوطرفه	«سَمِمْتُهُمْ»	«سَمُّونِي»
۷	بدل خیر / شر	«أُبَدِّلُنِي بِهِمْ خَيْرًا»	«أُبَدِّلُهُمْ بِي شَرًّا»
۸	سهم	«لِيَبِكُمْ أَلْفَ فَارِسٍ»	«عَلَىٰ وَضْرٍ مِنَ الْإِنَاءِ قَلِيلٌ»

تضاد در دیگر خطبه‌ها

خطبه	تضاد	طرف اول	طرف دوم	کارکرد
۱۱	حرکت / ثبات	«تَزُولُ الْجِبَالُ»	«وَلَا تَزُلُ»	تأکید بر استواری
۲۷	گرم / سرما	«حَمَارَةٌ الْقَيْظِ»	«صَبَارَةٌ الْقُرَىٰ»	افشای بهانه‌جویی
۲۷	شجاع / بی‌دانش	«رَجُلٌ شَجَاعٌ»	«لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحَرْبِ»	دفاع از شأن
۳۴	کثیر / قلیل	«كَثِيرٌ فِي الْبَاحَاتِ»	«قَلِيلٌ تَحْتَ الرَّيَاطِ»	تحقیر
۵۴	دنیا / آخرت	«مَوْتَاتُ الدُّنْيَا»	«مَوْتَاتُ الْآخِرَةِ»	اولویت‌بندی
۵۴	جنگ / انکار	«قِتَالُهُمْ»	«الْجُحُودُ بِمَا جَاءَ»	عدم انتخاب سوم
۵۵	دخول / خروج	«دَخَلْتُ إِلَى الْمَوْتِ»	«خَرَجَ الْمَوْتُ إِلَيَّ»	بی‌باکی
۶۶	عار / جنت	«الْعَارُ وَرَاءَكُمْ»	«الْجَنَّةُ أَمَامَكُمْ»	انگیزه
۶۹	تعرفون / لا تعرفون	«تَعْرِفُونَ الْحَقَّ»	«لَا تَعْرِفُونَ الْبَاطِلَ»	سرزنش
۱۲۴	شمشیر دنیا / آخرت	«سَيْفُ الْعَاجِلَةِ»	«سَيْفُ الْآخِرَةِ»	هشدار
۱۷۱	ظهور امام / ظهور دشمن	«إِنْ أَظْهَرْتَنَا»	«إِنْ أَظْهَرْتَهُمْ»	دعای دوگانه

خطبه	تضاد	طرف اول	طرف دوم	کارکرد
۲۰۶	دشنام / توصیف	«سَيَّابِينَ»	«وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ»	اصلاح رفتار
۲۱۲	عادله / جائزه	«مَقَالَتَنَا الْعَادِلَةَ»	«غَيْرَ الْجَائِزَةِ»	اثبات حقانیت
۲۱۲	مصلحه / مفسده	«الْمُصْلِحَةَ»	«غَيْرَ الْمُفْسِدَةِ»	اثبات حقانیت
۲۴۱	عزیمه / ولیمه	«عَزِيمَةً»	«وَلِيمَةً»	تضاد طنز

جدول (۹): سجع

خطبه	سجع	جمله‌های مسجوع	نوع سجع	آوای پایانی
۲۵	سجع متوازی	«مَلَّيْتُهُمْ وَمَلُونِي / سَمَّيْتُهُمْ وَسَمُّونِي»	متوازی کامل	هم / نی، هم / نی
۲۷	سجع مطرف	«مَلَّاتُمْ قُلُوبِي قَيْحًا / شَحَنْتُمْ صَدْرِي غَيْظًا»	مطرف (آخر یکسان)	قیحاً / غیظاً
۶۶	سجع متوالی	«اسْتَشْعِرُوا الْخَشْيَةَ / تَجَلَّبَّوْا السَّكِينَةَ / عَضُّوا عَلَى النَّوَاجِدِ»	متوالی	ه / ه / ذ

جدول (۱۰): تکرار

خطبه	نوع تکرار	واژه/عبارت تکرار شونده	تعداد	کارکرد
۱۱	تکرار صوتی	«تَزُلْ / تَدْ / اِرْمْ / أَقْصَى»	۴	ضربه آهنگ
۲۴	تکرار امری	«فَاتَّقُوا / فِرُوا / امْضُوا / قُومُوا»	۴	تأکید و بسیج
۲۵	تکرار «و»	«وَمَلُونِي وَ سَمَّيْتُهُمْ وَ سَمُّونِي وَ...»	۱۰+	ترکیب شکایات
۲۷	تکرار تعجب	«فَيَا عَجَبًا عَجَبًا»	۲	تشدید حیرت
۲۷	تکرار سوگند	«وَاللَّهِ» (۴ بار در خطبه)	۴	تأکید شدید
۳۴	تکرار منفی	«مَا أَنْتُمْ لِي بِبَقَّةٍ / مَا أَنْتُمْ بِرُكْنٍ / مَا أَنْتُمْ إِلَّا...»	۳	نفی پیاپی
۳۴	تکرار سوگند	«وَاللَّهِ» (۳ بار)	۳	تأکید
۳۹	تکرار منفی	«لَا يُطِيعُ / لَا يُجِيبُ / لَا تَسْمَعُونَ / لَا تُطِيعُونَ»	۴	فشار روانی
۵۴	تکرار تأملی	«قَلْبْتُ / فَمَا وَجَدْتُني / فَكَأَنْتُ»	۳	روایت فرایند

خطبه	نوع تکرار	واژه/عبارت تکرارشونده	تعداد	کارکرد
۶۶	تکرار امری	«اسْتَشْعِرُوا / عَضُوا / اكْمِلُوا / قَلِّلُوا / احْظُوا / اطْعُوا / نَافِحُوا / صَلُّوا»	۸	آموزش تاکتیک
۶۹	تکرار منفی	«لَا تَعْرِفُونَ / لَا تُبْطِلُونَ»	۲	سرزنش
۱۲۴	تکرار «حتی»	«حَتَّى يُرْمَوْا / حَتَّى يُجَرَّ / حَتَّى تَدْعَقَ»	۳	تشدید هدف
۱۲۴	تکرار امری	«قَدِّمُوا / أَخِرُوا / عَضُوا / اتَّسَوْا / غَضُوا / آمِنُوا»	+۶	دستورات نظامی
۱۴۶	تکرار نفی	«لَمْ يَكُنْ / وَلَا بَقِيَّةٌ / وَلَا خِذْلَانُهُ»	۳	تأکید منفی
۱۷۱	تکرار «و»	«وَجَعَلْتَهُ / وَ مَجْرَى / وَ مُخْتَلَفًا / وَ جَعَلْتَ...»	+۱۰	توصیف پیوسته
۲۱۲	تکرار شرطی	«فَأَبَى / إِلَّا النُّكُوصَ / إِلَّا الْإِبْطَاءَ»	۳	تأکید نافرمانی

جدول (۱۱): سوگند

خطبه	سوگند	متن عربی	کارکرد
۲۴	سوگند به جان	«وَلَعَمْرِي»	تأکید بر جدیت
۲۵	سوگند به خدا	«وَاللَّهِ» (چندین بار)	تأکید بر واقعیت تلخ
۲۷	سوگند متعدد	«فَوَاللَّهِ» (۴ بار در خطبه)	تشدید خشم و سرزنش
۳۴	سوگند سه گانه	«وَاللَّهِ» (۳ بار)	تأکید بر ناامیدی
۵۵	سوگند	«فَوَاللَّهِ مَا أَبَالِي»	اثبات شجاعت
۵۵	سوگند دوم	«فَوَاللَّهِ مَا دَفَعْتُ الْحَرْبَ»	توضیح راهبرد
۱۲۳	سوگند طولانی	«وَالَّذِي نَفْسُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ بِيَدِهِ»	تأکید شدید بر ارزش شهادت
۱۲۴	سوگند	«وَأَيْمُ اللَّهِ»	هشدار از فرار

جدول (۱۲): کنایه

خطبه	کنایه	متن	مقصود واقعی
۲۷	«لِلَّهِ أَبْوَهُمُ»	خدا پدرشان را مزد دهد	نکوهش (در مقام کنایه)
۳۹	«لَا أَبَا لَكُمْ»	پدر ندارید	فحش ملایم / نکوهش

جدول (۱۳): مبالغه

خطبه	مبالغه	متن	هدف
۲۷	مبالغه عددی	(ضمنی در توصیف غارت)	تشدید فجایع
۱۲۳	مبالغه عددی	«لَأَلْفُ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ أَهْوَنُ عَلَيَّ مِنْ مِائَةِ عَلَى الْفَرَّاشِ»	تأکید بر ارزش شهادت
۱۲۴	مبالغه توصیفی	«تَطِيرُ مِنْهُ فَرَّاشُ الْهَامِ وَ تَطِيحُ السَّوَاعِدُ»	ترساندن دشمن

جدول (۱۴): جناس

خطبه	جناس	کلمات	نوع
۲۵	جناس ناقص	«مَلَلْتُهُمْ / مَلُونِي» «سَمِئْتُهُمْ / سَمُونِي» «أُبْدِلْنِي / أُبْدِلُهُمْ»	جناس اشتقاق
۶۶	جناس لاحق	«الْكِرَّ / الْفَرَّ» «الْخَزَرَ / الشَّرَرَ»	
۲۱۲	جناس تضاد (طباق)	«الْعَادِلَةُ / الْجَائِرَةُ» «الْمُصْلِحَةُ / الْمُفْسِدَةُ»	
۶۶	جناس لاحق	«عَضُوا / غَضُوا» «الْخَزَرَ / الشَّرَرَ»	جناس اشتقاق
۱۲۴	جناس لاحق	«تَطِيرُ / تَطِيحُ»	

جدول (۱۵): قیاس محذوف

خطبه	قیاس محذوف	مقدمه کبری (محذوف)	مقدمه صغری	نتیجه
۱۱	کوه ← تو	کوه = نهایت ثبات	تو باید مثل کوه باشی	تو ثابت می‌مانی
۲۴	مدارا ← شکست	مدارا با باطل = ضعف	من مدارا نمی‌کنم	پیروزی حاصل می‌شود
۲۵	وحدت ← قدرت	وحدت = قدرت، تفرقه = ضعف	شامیان متحد، شما پراکنده	شامیان پیروز می‌شوند
۲۷	حمله به خانه ← ذلت	به هر قومی در خانه‌اش حمله شود دلیل می‌شود	شما در خانه حمله شدید	شما ذلیل می‌شوید
۳۴	یاری شما ← ضعف	یاری ضعیفان = ذلت	شما ضعیفید	من ذلیل می‌شوم
۳۹	نافرمانی ← ناتوانی	نافرمانان = ناتوان	شما نافرمانید	با شما کاری نمی‌شود
۵۴	دو راه	جنگ یا انکار دین	انکار دین محال است	پس باید جنگید
۵۵	هدایت ← کشتن	هدایت = خیر بیشتر	آن‌ها قابل هدایت‌اند	پس صبر می‌کنم

خطبه	قیاس محذوف	مقدمه کبری (محذوف)	مقدمه صغری	نتیجه
۶۶	فرار ← ننگ	فرار = عار و آتش قیامت	شما نباید فرار کنید	پس مقاومت کنید
۶۹	اصلاح شما ← فساد من	اصلاح ناشدنی‌ها = خودویرانی	شما ناشدنی‌اید	من خود را فاسد نمی‌کنم
۱۲۳	مرگ ← حتمی	مرگ همه را می‌گیرد	فرار فایده ندارد	پس شجاعانه بجنگید
۱۲۴	فرار ← عذاب	فرار از شمشیر دنیا ≠ نجات از آخرت	اگر فرار کنید	عذاب می‌شوید
۱۳۴	رهبر برود ← بی‌پناهی	رهبر = محور وحدت	اگر رهبر کشته شود	همه پراکنده می‌شوند
۱۴۶	پیروزی ≠ کثرت	پیروزی = یاری خدا، نه تعداد	خدا با ماست	پس نگران تعداد نباش
۱۷۱	پیروزی ← عدالت	اگر پیروز شدیم، ظلم هست	خدایا از ستم نگهدار	عدالت حفظ شود
۲۰۶	توصیف دشنام	توصیف عمل = مؤثرتر و پذیرفته‌تر	دشنام بی‌فایده است	پس عمل را توصیف کنید
۲۱۲	عدم اجابت ← گناه	عدم اجابت از حق = گناه	شما اجابت نکردید	خدا شما را مجازات می‌کند
۲۴۱	غفلت ← شکست	خواب = نابودی تصمیم	شما غافلید	شکست می‌خورید

۴-۳. ارزیابی تأثیرات آرتیفکت بر مخاطبان

تأثیرات خطبه‌های جنگی امام علی (علیه‌السلام) را باید در سه سطح مورد سنجش قرار داد: تأثیر شناختی که به درک و فهم پیام توسط مخاطبان مربوط می‌شود، تأثیر عاطفی که شامل برانگیختن احساسات و تغییر نگرش است و تأثیر رفتاری که مهم‌ترین معیار است و به تغییر واقعی رفتار مخاطبان اشاره دارد.

تحلیل شواهد تاریخی تصویر پیچیده‌ای از تأثیرگذاری این خطبه‌ها ارائه می‌دهد. از هجده خطبه مورد تحلیل، تنها شش خطبه (۱۱، ۶۶، ۱۲۳، ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۷۱) تأثیرگذاری بالا داشتند. این خطبه‌ها عمدتاً متعلق به اوایل حکومت امام (۳۶-۳۷ هجری) هستند، زمانی که رابطه امام با یاران هنوز سالم بود و سرمایه اعتماد و اقتدار معنوی او دست‌نخورده باقی مانده بود. برای مثال، خطبه ۱۱ که به محمد حنفیه در لحظه‌دادن پرچم جنگ جمل ایراد شد، تأثیری کامل و فوری داشت؛ محمد حنفیه دقیقاً

همان گونه که امام دستور داده بود عمل کرد و با شجاعت تمام در جنگ شرکت نمود. در مقابل، شش خطبه دیگر (۲۵، ۲۷، ۳۴، ۳۹، ۶۹، ۲۱۲) تأثیرگذاری بسیار پایین یا حتی صفر داشتند و این خطبه‌ها متعلق به اواخر حکومت امام (۳۹-۴۰ هجری) هستند. خطبه ۲۵ که پس از شکست‌های پی‌درپی در یمن با لحنی بسیار تند و سرزنش‌آمیز ایراد شد، نه تنها نتوانست یاران را به بسیج وادارد، بلکه فاصله عاطفی بین امام و یاران را بیشتر کرد.

تحلیل عمیق‌تر نشان می‌دهد که شکست یا موفقیت رتوریکی این خطبه‌ها به عوامل متعددی بستگی داشت. اولین عامل، نوع مخاطب بود؛ خطبه‌هایی که مخاطب واحد یا محدود داشتند - مانند خطبه‌های مشورتی به خلیفه دوم یا وصیت به محمد حنفیه - تأثیرگذاری بسیار بیشتری داشتند نسبت به خطبه‌هایی که به جمع ناهمگون یاران کوفی خطاب می‌کردند. عامل دوم، آمادگی روانی مخاطب بود؛ خطبه‌هایی که در لحظات اوج انگیزش یا در موقعیت‌های تصمیم‌گیری ایراد می‌شدند، بسیار مؤثرتر بودند؛ اما مهم‌ترین عامل، فرسایش تدریجی رابطه امام با یاران بود. پس از ماه‌ها جنگ مداوم، شکست‌های متوالی، سرزنش‌های پی‌درپی و نافرمانی‌های مکرر، سرمایه رابطه‌ای که پایه تأثیرگذاری رتوریکی بود، تحلیل رفت. این یافته مهم نشان می‌دهد که رتوریک در خلأ عمل نمی‌کند؛ بلکه عمیقاً به بستر تاریخی، روانی و رابطه‌ای بین گوینده و مخاطب وابسته است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شکست رتوریکی خطبه‌های پایانی امام، نه به دلیل ضعف در تکنیک‌های اقناعی، بلکه به دلیل تغییرات ساختاری در موقعیت رتوریکی و فرسایش رابطه بین رهبر و پیروان رخ داد.

جدول (۱۸): تأثیرات خطبه‌ها

دسته‌بندی تأثیر	تعداد خطبه	خطبه‌ها
تأثیرگذاری بالا	۶	۱۱، ۶۶، ۱۲۳، ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۷۱
تأثیرگذاری متوسط	۶	۲۴، ۵۴، ۵۵، ۱۲۴، ۲۰۶، ۲۴۱
تأثیرگذاری پایین	۶	۲۵، ۲۷، ۳۴، ۳۹، ۶۹، ۲۱۲

۵. تحلیل یافته‌ها

تحلیل هجده خطبه جنگی نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که امام علی (علیه‌السلام) به‌طور استثنایی از هر سه رکن ابداع ارسطویی (لوگوس، اتوس و پتوس) به‌صورت متوازن و هوشمندانه بهره برده است. در بُعد لوگوس (استدلال منطقی)، امام در همه خطبه‌ها از قیاس‌های محکم بهره برده است. این قیاس‌ها از ساده‌ترین شکل (خطبه ۱۱) تا پیچیده‌ترین استدلال‌های راهبردی (خطبه ۱۳۴) را در برمی‌گیرند. مهم‌ترین یافته در این بخش، استفاده از استدلال‌های تطبیقی در خطبه ۲۵ است. قیاسی که علت شکست را در قالب مقایسه‌های دوگانه ارائه می‌دهد. از منظر اتوس (اعتبارسازی)، یافته‌های پژوهش حاکی از تحول معناداری است. در خطبه‌های اولیه (۱۱، ۲۴، ۵۴، ۵۵)، امام از موقعیت پدران، تجربه نظامی و شجاعت خود برای اعتبارسازی استفاده می‌کند. اما در خطبه‌های میانی (۲۷، ۳۴)، به دفاع از شأن نظامی خود می‌پردازد و در خطبه‌های پایانی (۲۵، ۳۹، ۶۹، ۲۱۲)، به «صداقت تلخ» و اعتراف صریح به ناکامی روی می‌آورد. این تحول نشان‌دهنده یک راهبرد رتوریکی پیشرفته است: جایگزینی اعتبار سستی با اعتبار مبتنی بر صداقت. پتوس (برانگیختن احساسات) پویاترین رکن رتوریک امام است. طیف احساسی خطبه‌ها از امید و اطمینان (خطبه‌های ۱۱، ۲۴، ۵۵) تا خشم و سرزنش (۲۷، ۳۴) و سرانجام یأس و نفرت (۲۵، ۶۹) گسترش می‌یابد. برجسته‌ترین یافته در این بخش، استفاده از «احساسات متناقض» است: در خطبه ۵۵، امام هم‌زمان شجاعت شخصی و دلسوزی برای دشمن را بیان می‌کند، ترکیبی نادر که قدرت و رحمت را در هم می‌آمیزد.

از منظر ترتیب، خطبه‌های جنگی نهج‌البلاغه تنوع ساختاری چشمگیری دارند. امام بر اساس موقعیت و هدف، ساختار بهینه را انتخاب می‌کند و ساختار با حالت عاطفی تطابق دارد. خطبه ۱۱ از ساختار تصاعدی بهره می‌برد، خطبه ۲۴ ترتیب حل مسئله را دنبال می‌کند، خطبه ۲۷ به شکل خطابی کلاسیک سازمان‌دهی شده و خطبه ۲۵ ساختار تنازلی را به کار می‌گیرد. خطبه‌های امیدوارانه (۲۴، ۵۵) ساختار باز و تشویقی دارند، درحالی‌که خطبه‌های انتقادی (۲۵، ۶۹) به ساختار بسته و تنازلی روی می‌آورند.

بررسی سبک نشان می‌دهد که امام از ۱۰ نوع آرایه ادبی به‌طور هدفمند استفاده

کرده است. تشبیه یکی از پُرکاربردترین آرایه‌ها است و از تشبیهات مثبت تا تشبیهات تحقیرآمیز را شامل می‌شود. این تشبیهات نه تنها جنبه زیبایی‌شناختی دارند، بلکه کارکردهای روان‌شناختی دارند: تشبیه به کوه، اعتماد به نفس ایجاد می‌کند؛ تشبیه به شتر بی‌ساربان، احساس بی‌نظمی را برمی‌انگیزد. استعاره‌های امام تنوع معنایی بالایی دارند. این استعاره‌ها از عینی‌ترین (جنگ) تا انتزاعی‌ترین (معنویت) مفاهیم را پوشش می‌دهند. یافته برجسته در این بخش، استفاده از تضاد به عنوان مثال ابزار تأکید است. خطبه ۲۵ با ۸ تضاد متوالی («اجتماع / تفرق، طاعت / معصیت، صلاح / فساد، امانت / خیانت») نقاط ضعف کوفیان را برجسته می‌سازد. این انباشت تضادها، فشار روان‌شناختی بر مخاطب وارد می‌کند.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، شناسایی تحول تاریخی رابطه امام با یاران در چهار مرحله است:

مرحله اول (۳۶-۳۷ هـ / خطبه‌های ۱۱، ۲۴، ۵۴، ۵۵): لحن امیدوارانه و انگیزشی، تأکید بر اطمینان و دلسوزی، رابطه سالم.

مرحله دوم (۳۷ هـ / خطبه‌های ۶۶، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۷۱، ۲۰۶): لحن آموزشی و نصیحت‌آمیز، تأکید بر برادری و اخلاق، رابطه نسبتاً سالم.

مرحله سوم (۳۸ هـ / خطبه‌های ۲۷، ۳۴): لحن خشمگین و تحقیرآمیز، بروز حسرت و سرزنش شدید، رابطه آسیب‌دیده.

مرحله چهارم (۳۹-۴۰ هـ / خطبه‌های ۲۵، ۳۹، ۶۹، ۲۱۲): لحن یأس‌آلود و شکایت‌آمیز، نفرت و ناامیدی کامل، رابطه فروپاشیده.

این تحول نشان می‌دهد که رتوریک امام بازتاب صادقانه واقعیت تاریخی است، نه صرفاً ابزار دستکاری. امام از «رتوریک امیدبخش» به «رتوریک واقع‌گرایانه» و سپس به «رتوریک یأس‌صادقانه» حرکت می‌کند.

یافته برجسته دیگر، تلفیق تاکتیک نظامی با معنویت است. در خطبه ۱۱، بعد از دستورات فیزیکی («دندان بفشار»)، بلافاصله به معنویت می‌پردازد («پیروزی از خداست»). در خطبه ۶۶، قبل از آموزش تکنیک‌های جنگی، دستور می‌دهد: «لباس زیرین را ترس خدا و لباس رویین را آرامش قرار دهید.» این یافته نشان می‌دهد که در

رتوریک امام، جنگ همیشه در چهارچوب اخلاقی - معنوی قرار دارد. نکته منحصربه‌فرد دیگر، دلسوزی برای دشمن است. در اوج جنگ صفین (خطبه ۵۵)، امام توضیح می‌دهد که جنگ را به تأخیر می‌اندازد تا «شاید گروهی از دشمن هدایت شوند» - رویکردی که در ادبیات جنگی نادر است. در خطبه ۲۰۶، از یاران می‌خواهد که به‌جای دشنام، برای هدایت دشمن دعا کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که رتوریک جهاد در نهج‌البلاغه، رتوریکی «انسان‌محور» است، نه «دشمن‌ستیز».

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که رتوریک جهاد در نهج‌البلاغه، نمونه‌ای کامل از کاربری اصول رتوریک کلاسیک در بافت اسلامی است. امام علی (علیه‌السلام) نه تنها همه اصول رتوریکی را به‌طور متقن به‌کار برده، بلکه ویژگی‌های منحصربه‌فردی به آن افزوده است: اولاً، تحول تاریخی رتوریک امام از امید به یأس، نشان‌دهنده «صداقت رتوریکی» است. ثانیاً، رتوریک جهاد در نهج‌البلاغه، رتوریکی «چندلایه» است: در سطح اول، آموزش نظامی؛ در سطح دوم، انگیزش معنوی؛ در سطح سوم، نقد اجتماعی؛ و در عمیق‌ترین سطح، تأمل فلسفی درباره رابطه رهبری و ملت. ثالثاً، غنای آرایه‌ای خطبه‌ها (۱۰ نوع آرایه) نشان می‌دهد که زیبایی‌شناسی در خدمت اقناع است.

رابعاً، «اخلاق در جنگ» به‌عنوان مثال محور رتوریک امام است. نهی از دشنام، دلسوزی برای دشمن و اولویت هدایت بر کشتن، نشان می‌دهد که جهاد در نهج‌البلاغه هدفی فراتر از پیروزی نظامی دارد: بازگرداندن انسان به حق.

کتابنامه

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۳۸۵). شرح نهج البلاغه (م. ابراهیم، محقق؛ ۲۰ جلد). قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- بوتول، گاستون (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی جنگ. ترجمه هوشنگ فرخجسته. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۶۰). تفسیر نهج البلاغه (۷ جلد). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حسن عباس، فضل (۱۹۹۷). البلاغه فنونها و أفنانها. اردن: دار الفرقان.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی امیرکبیر.
- شریعتی، علی (۱۳۵۰). علی تنها است. تهران: حسینیه ارشاد.
- صالح، صبحی (۱۹۶۷). نهج البلاغه [نسخه عربی با تحقیق و توضیحات]. لبنان: دار الکتاب اللبنانی.
- عبده، محمد (۱۳۶۵). شرح نهج البلاغه (م. ابوالفضل ابراهیم، محقق؛ ۴ جلد). لبنان: دارالمعرفه.
- عزیزخانی، مریم و شاملی، نصراله (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان انتقادی در نهج البلاغه براساس نظریه فرکلاف (مطالعه موردی توصیف ناکثین). پژوهشنامه نهج البلاغه، ۳۶(۹)، ۲۱-۳۷.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). جنگ و جهاد در قرآن. (تهیه و تدوین: م.م. نادری قمی و م.ح. اسکندری). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸). ولایت و رهبری. تهران: انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی معین. (ج ۱). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۹). فی ظلال نهج البلاغه [در سایه نهج البلاغه]، ۴ جلد، ترجمه هاشم میلانی، قم: دار الکتاب الإسلامی.
- مقداد، فاضل. (۱۳۸۰). کنز العرفان فی فقه القرآن. (مصحح: ع. عقیقی بخشایشی). قم: انتشارات نوید اسلام.

مور، جری دی. (۱۳۸۹). *زندگی و اندیشه بزرگان انسان‌شناسی: مقدمه‌ای بر نظریه پردازان و نظریه‌های انسان‌شناختی*. ترجمه جعفر احمدی و هاشم آقا بیگ پوری. تهران: جامعه‌شناسان.

نصری، عبدالله (۱۳۹۹). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه: حکمت اصول سیاسی اسلام (تفسیر فرمان امیرالمومنین علیه‌السلام) به مالک اشتر*. ترجمه محمدتقی جعفری تبریزی، به‌اهتمام علی جعفری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- Black, C C. (1995). *Rhetorical criticism. in Hearing the New Testament: Strategies for Interpretation*. ed. J. B. Green. Grand Rapids: Eerdmans.
- Brigance, William Norwood ed., *A History and Criticism of American Public Address*, 2 vols. (New York: McGraw-Hill, 1943). A third volume was published in 1955: Marie Kathryn Hochmuth, ed., *A History and Criticism of American Public Address*, III (New York: Longmans, Green, 1955).
- Brock, B. L. & Scott, R. L. (Eds.). (1980). *Methods of rhetorical criticism: A twentieth-century perspective (2nd ed.)*. Wayne State University Press.
- Brock, B.L., Scott, L. & Chesebro, J.W. (1990). *Methods of Rhetorical Criticism. A Twentieth-century Perspective*. Third edition, revised. Detroit: Wayne State University.
- Bryant, Donald C. (1958), ed., *The Rhetorical Idiom: Essays in Rhetoric, Oratory, Language, and Drama* (Ithaca: Cornell University Press), 5.
- Burke, Kenneth. (1969). *A Rhetoric of Motives*. Berkeley: University of California Press.
- Cathcart, Robert. (1966). *Post Communication: Criticism and Evaluation*. Indianapolis: Bobbs- Merrill.
- Cox, Robert. (2010). *Environmental Communication and Public Sphere*. Los Angeles: Sage Publication.
- Foss, Sonja K. (2018). *Rhetorical criticism: Exploration and practice* (5th ed.). Waveland Press.
- Herbert A. Wichelns (1980). "The Literary Criticism of Oratory," in *Studies in Rhetoric and Public Speaking in Honor of James A. Winans*, ed. A. M. Drummond (New York: Century, 1925), 181–216. A more accessible source for the essay is Herbert A. Wichelns, "The Literary Criticism of Oratory," in *Methods of Rhetorical Criticism: A Twentieth-Century Perspective*, ed. Bernard L. Brock and Robert L. Scott, 2nd ed. (Detroit: Wayne State University Press, 1980), 40–73.
- Kennedy, George Alexander (1994). *A New History of Classical Rhetoric*.

New Jersey: Princeton UP.

Klyn, Mark S. (1968). "Toward a Pluralistic Rhetorical Criticism," in *Essays on Rhetorical Criticism*, ed. Thomas R. Nilsen (New York: Random House, 1968), 154.

Mohrmann, G. P. & Michael C. (1974). Leff point out that neo-Aristotelianism itself does not preclude the study of discourse larger than a single speech; in fact, Aristotle discusses oratorical genres deliberative or political speaking, forensic or legal speaking, and epideictic or ceremonial speaking. The notion of genres was not incorporated into the neo-Aristotelian approach because of Wichelns's determination that the purpose of rhetorical criticism was to uncover effects on the specific audience. See G. P. Mohrmann and Michael C. Leff, "Lincoln at Cooper Union: A Rationale for Neo-Classical Criticism," *Quarterly Journal of Speech*, (60), 463.

Thonssen, Lester & Baird, Craig (1948). *Speech Criticism*. New York: Ronald.

Wendland, E. R. (2002). *Aspects of Rhetorical Analysis Applied to New Testament texts*. In *Handbook of early Christianity: Social science approaches*. ed. Blasi, A J. Duhaime, J & Turcotte P-A. Walnut Creek: Altamira Press: 169-195.

Wichelns, Herbert. A. (1925). *The Literary Criticism of Oratory*, in *Studies in Rhetoric and Public Speaking in Honor of James A. Winans*, ed. A. M. Drummond (New York: Century, 181–216.

References

Abduh, M. (1365/1986). *Sharḥ Nahj al-Balāgha* [Commentary on Nahj al-Balāgha] (M. Abū al-Faḍl Ibrāhīm, Ed.; 4 vols.). Lebanon: Dār al-Maʿrifa. (In Arabic)

al-Miqdād, F. (1380/2001). *Kanz al-ʿIrfān fī fiqh al-Qurʾān* [The treasure of gnosis in Quranic jurisprudence] (ʿA. ʿUqayqī Bakhshāyishī, Ed.). Qom: Intishārāt-i Navīd-i Islām. (In Arabic)

Azīzkhānī, M., & Shāmlī, N. (1400/2021). *Taḥlīl-i guftimān-i intiqādī dar Nahj al-Balāgha bar asās-i nazariyya-yi Furklāf (muṭālīʿa-yi mawridī: tawṣīf-i nākithīn)* [Critical discourse analysis in Nahj al-Balāgha based on Fairclough's theory: Case study of the description of the Oath-Breakers]. *Pazhūhishnāma-yi Nahj al-Balāgha*, 9(36), 21–37. (in Persian)

Black, C. C. (1995). *Rhetorical criticism*. in *Hearing the New Testament: Strategies for Interpretation*. ed. J. B. Green. Grand Rapids: Eerdmans.

Bouthoul, G. (1387/2008). *Jāmiʿah-shināsī-yi Jang* [Sociology of war] (H. Farrukhjasta, Trans.). Tehran: Intishārāt-i ʿIlmī Farhangī. (Original work published 1954) (in Persian)

Brigance, William Norwood, ed., *A History and Criticism of American*

- Public Address, 2 vols. (New York: McGraw-Hill, 1943). A third volume was published in 1955: Marie Kathryn Hochmuth, ed., A History and Criticism of American Public Address, III (New York: Longmans, Green, 1955).
- Brock, B. L. & Scott, R. L. (Eds.). (1980). Methods of rhetorical criticism: A twentieth-century perspective (2nd ed.). Wayne State University Press.
- Brock, B.L., Scott, L. & Chesebro, J.W. (1990). Methods of Rhetorical Criticism. A Twentieth-century Perspective. Third edition, revised. Detroit: Wayne State University.
- Bryant, Donald C., ed., The Rhetorical Idiom: Essays in Rhetoric, Oratory, Language, and Drama (Ithaca: Cornell University Press, 1958), 5.
- Burke, Kenneth. (1969). A Rhetoric of Motives. Berkeley: University of California Press.
- Cathcart, Robert. (1966). Post Communication: Criticism and Evaluation. Indianapolis: Bobbs- Merrill.
- Cox, Robert. (2010). Environmental Communication and Public Sphere. Los Angeles: Sage Publication.
- Dashtī, M. (1379/2000). Tarjuma-yi Nahj al-Balāgha [Translation of Nahj al-Balāgha]. Tehran: Mu'assisa-yi Farhangī Intishārātī-yi Amīr Kabīr. (In Persian)
- edition of the book, a third author was added: Lester Thonssen, A. Craig Baird, and Waldo W. Braden, Speech Criticism, 2nd ed. (New York: Ronald, 1970).
- G. P. Mohrmann and Michael C. Leff point out that neo-Aristotelianism itself does not preclude the study of discourse larger than a single speech; in fact, Aristotle discusses oratorical genres deliberative or political speaking, forensic or legal speaking, and epideictic or ceremonial speaking. The notion of genres was not incorporated into the neo-Aristotelian approach because of Wichelns's determination that the purpose of rhetorical criticism was to uncover effects on the specific audience. See G. P. Mohrmann and Michael C. Leff, "Lincoln at Cooper Union: A Rationale for Neo-Classical Criticism," Quarterly Journal of Speech 60 (December 1974): 463.
- Ḥasan 'Abbās, F. (1997). al-Balāgha: Funūnuhā wa afnānuhā [Rhetoric: Its arts and branches]. Jordan: Dār al-Furqān. (In Arabic)
- Herbert A. Wichelns, "The Literary Criticism of Oratory," in Studies in Rhetoric and Public Speaking in Honor of James A. Winans, ed. A. M. Drummond (New York: Century, 1925), 181–216. A more accessible source for the essay is Herbert A. Wichelns, "The Literary Criticism of Oratory," in Methods of Rhetorical Criticism: A Twentieth-Century

- Perspective, ed. Bernard L. Brock and Robert L. Scott, 2nd ed. (Detroit: Wayne State University Press, 1980), 40–73.
- Ibn Abī al-Ḥadīd, ‘A. (1385/2006). *Sharḥ Nahj al-Balāgha* [Commentary on Nahj al-Balāgha] (M. Ibrāhīm, Ed.; 20 vols.). Cairo: Dār Iḥyā’ al-Kutub al-‘Arabiyya. (In Arabic)
- Ja‘farī, M. T. (1360/1981). *Tafsīr-i Nahj al-Balāgha* [Exegesis of Nahj al-Balāgha] (7 vols.). Tehran: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islāmī. (In Persian)
- Kennedy, George Alexander. (1994). *A New History of Classical Rhetoric*. New Jersey: Princeton UP.
- Klyn, Mark S., “Toward a Pluralistic Rhetorical Criticism,” in *Essays on Rhetorical Criticism*, ed. Thomas R. Nilsen (New York: Random House, 1968), 154.
- Miṣbāḥ Yazdī, M. T. (1383/2004). *Jang wa jihād dar Qur’ān* [War and jihad in the Quran] (M. M. Nādirī Qummī & M. H. Iskandarī, Comps.). Qom: Mu’assisa-yi Āmūzishī va Pizhūhishī-yi Imām Khumaynī (RA). (In Persian)
- Moore, J. D. (1389/2010). *Zindigī wa andīsha-yi buzurgān-i insān’shināsī: Muqaddama’ī bar nazariyya’pardāzān va nazariyya’hā-yi insān’shinākhtī* [Visions of culture: An introduction to anthropological theories and theorists] (J. Aḥmadī & H. Āqā Bīg Pūrī, Trans.). Tehran: Jāmi‘a’shināsān. (Original work published 1997) (In Persian)
- Mughniyya, M. J. (1379/2000). *Fī zīlāl Nahj al-Balāgha* [In the shade of Nahj al-Balāgha] (H. Mīlānī, Trans.; 4 vols.). Qom: Dār al-Kitāb al-Islāmī. (in Arabic, Persian translation)
- Mu‘īn, M. (1360/1981). *Farhang-i Fārsī-yi Mu‘īn* [Mu‘īn’s Persian dictionary] (Vol. 1). Tehran: Intishārāt-i Amīr Kabīr. (In Persian)
- Muṭahharī, M. (1358/1979). *Wilāyat wa rahbarī* [Guardianship and leadership]. Tehran: Intishārāt-i Ṣadrā. (In Persian)
- Naṣrī, ‘A. (1399/2020). *Tarjuma wa tafsīr-i Nahj al-Balāgha: Hikmat-i uṣūl-i siyāsī-yi Islām (tafsīr-i farmān-i Amīr al-Mu’mīnīn (‘a) bi Mālik Ashtar)* [Translation and exegesis of Nahj al-Balāgha: The wisdom of Islamic political principles (exegesis of the decree of the Commander of the Faithful to Mālik al-Ashtar)] (M. T. Ja‘farī Tabrīzī, Trans.; ‘A. Ja‘farī, Comp.). Tehran: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islāmī. (In Persian)
- Ṣāliḥ, Ṣ. (1967). *Nahj al-Balāgha* [Arabic edition with investigation and annotations]. Lebanon: Dār al-Kitāb al-Lubnānī. (In Arabic)
- Sharī‘atī, ‘A. (1350/1971). *‘Alī tanhā ast* [Ali is alone]. Tehran: Ḥusayniyya-yi Irshād. (In Persian)
- Sonja K. Foss (2018). *Rhetorical criticism: Exploration and practice* (5th ed.). Waveland Press.

- Thonssen, Lester and A. Craig Baird, *Speech Criticism* (New York: Ronald, 1948). In the second
- Wendland, E. R. (2002). Aspects of Rhetorical Analysis Applied to New Testament texts. In *Handbook of early Christianity: Social science approaches*. ed. Blasi, A J. Duhaime, J & Turcotte P-A. Walnut Creek: Altamira Press: 169-195.
- Wichelns, Herbert. A. (1925). The Literary Criticism of Oratory, in *Studies in Rhetoric and Public Speaking in Honor of James A. Winans*, ed. A. M. Drummond (New York: Century, 181–216.